

کسب جمعیت از آن زلف پریشان

(مقایسه سبک شناختی ادبیات فارسی با معماری و نقاشی ایرانی)

دکتر افسانه خاتون آبادی



۱۳۹۷

سرسناسه	: خاتون آبادی، افسانه
عنوان و نام پدیدآور	: کسب جمعیت از آن زلف پریشان: (مقایسه سبک شناختی ادبیات فارسی با معماری و نقاشی ایرانی) / افسانه خاتون آبادی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص: مصور
شابک	: 978-600-8412-64-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: ادبیات فارسی، معماری، نگارگری-سبک شناسی
موضوع	: Persian literature--Style
موضوع	: سبک شناسی تطبیقی
موضوع	: Style, Literary
موضوع	: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian literature--Collections
رده بندی کنگره	: PIR۳۳۴۸
رده بندی دیوبی	: ۸۴۰/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۲۸۰۸۲



مرکز معرفی فرهنگی

کسب جمعیت از آن زلف پریشان (مقایسه سبک شناختی ادبیات فارسی با معماری و نقاشی ایرانی)

تالیف: دکتر افسانه خاتون آبادی (استادیار دانشگاه فرهنگیان)

طرح و اجرا: علیرضا یارمحمدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ میران

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۶۴-۹

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۴۵۲-۶۰ دورنگار: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تارنما: www.richt.ir رایانامه: ccp@richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

به پسر م،
علی

فهرست مطالب

۱۳	 سخن ناشر
۱۵	 مقلمه
۱۹	 پیش گفتار
۲۳	 فصل اول: سبک‌های ادبیات فارسی (شعر و نثر)
۲۴	 الف) سبک‌های شعر فارسی
۲۵	 سبک خراسانی
۳۳	 سبک دوره سلجوقی
۳۵	 سبک عراقی
۴۰	 مکتب وقوع و واسوخت
۴۲	 سبک هندی
۴۷	 دوره بازگشت ادبی
۴۷	 جریان‌های شعری دوره قاجار و پهلوی
۷۷	 ب) سبک‌های نثر فارسی

۸۵	فصل دوم: سبک‌های معماری ایرانی
۸۷	شیوه خراسانی
۹۰	شیوه رازی
۹۴	شیوه آذری
۱۰۰	شیوه اصفهانی
۱۰۶	سبک معماری دوره قاجار و پهلوی
۱۱۳	فصل سوم: سبک‌های نگارگری و نقاشی
۱۱۵	مکتب عباسی (بغداد)
۱۱۷	مکتب سلجوقی
۱۱۸	مکتب تبریز اول
۱۲۶	مکتب جلایری (تبریز - بغداد)
۱۲۹	مکتب هرات
۱۳۶	مکتب شیراز
۱۴۰	مکتب تبریز دوم
۱۴۴	مکتب مشهد
۱۴۷	مکتب قزوین
۱۵۰	مکتب اصفهان
۱۵۶	جریان‌های نقاشی دوران قاجار
۱۷۰	شیوه‌های نقاشی معاصر
۱۷۵	فصل چهارم: بررسی تطبیقی ویژگی‌های سبک‌شناختی شعر، معماری و نقاشی
۱۸۹	فصل پنجم: بررسی علت همانندی‌ها
۱۹۵	فرجام سخن
۱۹۷	کتابنامه
۲۰۱	فهرست اعلام

فهرست تصاویر

فصل دوم

۸۸	۱- مسجد جامع فهرج
۸۹	۲- مسجد جامع فهرج
۹۰	۳- مسجد تاریخانه دامغان
۹۲	۴- مسجد جامع اصفهان
۹۳	۵- مقرنس کاری مسجد جامع اصفهان
۹۴	۶- گنبدخانه مسجد جامع اصفهان
۹۶	۷- گنبد مسجد کبود تبریز
۹۶	۸- مسجد کبود تبریز
۹۷	۹- مسجد کبود تبریز
۹۹	۱۰- محراب مسجد جامع اصفهان
۱۰۰	۱۱- شبستان زمستانی مسجد جامع اصفهان
۱۰۲	۱۲- گنبدخانه مسجد امام اصفهان
۱۰۲	۱۳- صحن مسجد امام اصفهان
۱۰۳	۱۴- مسجد امام اصفهان
۱۰۴	۱۵- مسجد شیخ لطف الله اصفهان

- ۱۶- مسجد شیخ لطف الله اصفهان ۱۰۵
- ۱۷- مسجد شیخ لطف الله اصفهان ۱۰۵
- ۱۸- گنبدخانه مسجد شیخ لطف الله اصفهان ۱۰۶
- ۱۹- ایوان اصلی مسجد سپهسالار ۱۰۷
- ۲۰- عمارت شمس العماره ۱۰۹
- ۲۱- پل طبیعت ۱۱۲

فصل سوم

- ۱- کاروان حجاج، کتاب مقامات حریری ۱۱۶
- ۲- نگاره ای از کتاب التریاق ۱۱۸
- ۳- نگاره ای از نسخه ورقه و گلشاه ۱۱۸
- ۴- نگاره ای از کتاب منافع الحيوان ۱۲۰
- ۵- شیر نر و ماده، کتاب منافع الحيوان ۱۲۱
- ۶- تعقیب مادیان به وسیله اسب نر- کتاب منافع الحيوان ۱۲۱
- ۷- صورت سیمرغ- کتاب منافع الحيوان ۱۲۱
- ۸- نگاره یونس در دهان ماهی از کتاب جامع التواریخ رشیدی ۱۲۲
- ۹- نبرد اسفندیار و اژدها- شاهنامه ۱۲۳
- ۱۰- ربوده شدن زال به وسیله سیمرغ- شاهنامه ۱۲۴
- ۱۱- نبرد اسفندیار با گرگها- شاهنامه ۱۲۵
- ۱۲- نبرد منوچهرشاه و تورانیان- شاهنامه ۱۲۶
- ۱۳- عروسی همای و همایون- نگاره ای از دیوان خواجوی کرمانی ۱۲۸
- ۱۴- سلطان ملکشاه و پیرزن- نگاره ای از دیوان خواجوی کرمانی ۱۲۸
- ۱۵- اهدای کتابهای چین به اولجایتو- نگاره ای از مجمع التواریخ حافظ ابرو ۱۳۰
- ۱۶- ساختن قصر خورنق- خمسه نظامی ۱۳۱
- ۱۷- صفحه ای از شاهنامه بایسنقری ۱۳۲
- ۱۸- حمله شیر به گاو- کلیله و دمنه بایسنقری ۱۳۳
- ۱۹- بایسنقر در باغ- کلیله و دمنه ۱۳۴
- ۲۰- نگاره ای از مکتب هرات ۱۳۵
- ۲۱- رزم بهرام گور با اژدها- شاهنامه ۱۳۸
- ۲۲- بهرام گور در تالار هفت پیکر- گلچین اسکندرسلطان ۱۳۹
- ۲۳- اسکندر و ساختن سد یأجوج و مأجوج- شاهنامه ۱۳۹

- ۲۴- توطئه قتل خسرو پرویز، پادشاه ساسانی - شاهنامه تهماسبی ۱۴۰
- ۲۵- پادشاهی لهراسب - شاهنامه تهماسبی ۱۴۱
- ۲۶- داستان بیژن و منیژه - شاهنامه تهماسبی ۱۴۲
- ۲۷- داستان ضحاک - شاهنامه تهماسبی ۱۴۳
- ۲۸- داستان هوشنگ - شاهنامه تهماسبی ۱۴۴
- ۲۹- نگاره ای از مکتب مشهد ۱۴۵
- ۳۰- ضیافت یوسف در جشن عروسی خویش - هفت اورنگ جامی ۱۴۶
- ۳۱- نثار نور فرشتگان بر سعدی - هفت اورنگ جامی ۱۴۶
- ۳۲- مرید بوسه بر پای مراد می زند - هفت اورنگ جامی ۱۴۷
- ۳۳- جای پای امام علی (ع) - فالنامه ۱۴۸
- ۳۴- جوان عودنواز - مکتب قزوین ۱۴۹
- ۳۵- صفحه‌ای از فالنامه‌ی أبو عبدالله جعفر بن محمد الصادق ۱۴۹
- ۳۶- عشق‌بازی، نگاره ای از رضا عباسی ۱۵۱
- ۳۷- تک چهره دختر - مکتب اصفهان ۱۵۲
- ۳۸- نشمی کماندار - نگاره ای از رضا عباسی ۱۵۳
- ۳۹- شاهزاده محمد بیگ گرجی - رقعہ نگاری قرن دهم ۱۵۴
- ۴۰- نگاره ای از معین مصور ۱۵۴
- ۴۱- سر بردن هولوفرنس توسط جودیت، اثر محمد زمان ۱۵۵
- ۴۲- اتراق شبانه، نگاره‌ای از محمد زمان ۱۵۶
- ۴۳- شیرین و فرهاد - اثر حسین بهزاد ۱۵۷
- ۴۴- فتحعلی‌شاه قاجار - اثر میرزا بابا ۱۶۰
- ۴۵- صحنه ای از هزار و یک شب - اثر صنیع الملک ۱۶۱
- ۴۶- صحنه ای از هزار و یک شب - اثر صنیع الملک ۱۶۱
- ۴۷- استنساخ - اثر محمودخان ملک الشعرا ۱۶۳
- ۴۸- خیابان دوشان تپه - اثر کمال‌الملک ۱۶۵
- ۴۹- تالار آئینه - اثر کمال‌الملک ۱۶۵
- ۵۰- پرتره از خود - اثر کمال‌الملک ۱۶۶
- ۵۱- زندگی پرافتخار حضرت علی (ع) - دوره قاجار ۱۶۸
- ۵۲- مصیبت کربلا ۱۶۹
- ۵۳- رزم رستم و اسفندیار ۱۶۹
- ۵۴- شکار - محمود فرشچیان ۱۷۰

- ۵۵- نقاشی سقاخانه - اثر رازه طباطبایی ۱۷۱
- ۵۶- کاری از بهمن محصص ۱۷۲
- ۵۷- نیم رخ اثر بهمن محصص ۱۷۳
- ۵۸- نقاشی قهوه خانه ای - اثر عباس مدبر ۱۷۴

سخن ناشر

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه‌ی امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده‌ی پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده‌ی ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز تأمل نمود.

با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پررنگ ساختن - حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه‌ی برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده‌ی تحقیقات به عمل آمده در هر یک از پژوهشکده‌ها به

ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی هم طراز بین‌المللی است، به صورت ممکن به نشر درآید که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر اذعان می‌نماییم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه‌ی فرهنگ و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد. لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و اساتید این رسالت را به انجام رساند و امید دارد با حرکت در این مسیر دست‌همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

مقدمه

درعالم هنر معمولا هنرمندان صرفا از شاخه هنری موضوع تخصص خود مطلع اند و از دیگر شاخه‌ها اطلاع کافی ندارند و یا همچون مصرف‌کننده با آن مواجه می‌شوند. البته شاید در نگاه نخست ظاهرا نیز تجانس و هم‌خانوادگی‌ای میان هنرها احساس نشود، لیکن گاه اهل یک شاخه هنری ناگهان به نکته‌هایی برمی‌خورند که اسباب احساس قرابت و آشنایی با حوزه‌های دیگر هنری می‌شود. لیکن معمولا از آن ساده می‌گذرند و غالبا این شباهت‌ها را به تأثیرپذیری یک هنر از هنر دیگر نسبت می‌دهند؛ مثلا شعر را متأثر از اوزان موسیقایی و یا بالعکس موسیقی را متأثر از اوزان شعر فارسی معرفی می‌کنند. لیکن کمتر این شباهت‌ها و تجانس را منبعث از وجود زمینه‌ای مشترک می‌دانند که همه این اقسام هنر، با وجود حیثیت مستقل‌شان، در آن زمینه روی می‌دهد. این زمینه است که محمل نشو و نماي این اقسام هنرهاست و بی‌علت نیست که مثلا خاستگاه هرشش شیوه خوشنویسی، معروف به اقلام سته، در ایران است. چه اگر این موضوع تصادفی بود، وقوع تنها یکی از آنها در ایران محتمل بود و حال که همه این اقسام در ایران ریشه دارد، حکایت از امر دیگری دارد و آن حاصلخیزی این سیاق در این نوع خاص از هنر است. به همین ترتیب اگر مثلا نقوش مشابه و متجانسی چون اسلیمی یا ختایی و یا فرنگی همزمان در

قالی، در کاشی، درنگارگری و گچبری روی می دهد علتش بیشتر این است که همه این هنرها همزمان از سیاق مشترکی تغذیه می شوند.

در این میان مهم ترین چیزی که نباید فراموش کرد، درک معنای «زمینه» است. پیش از آن که تشخیص دهیم زمینه چه تأثیرات همگون و همزمانی برشاخه های مختلف هنر گذاشته است باید نخست دریابیم که اساسا مراد از «زمینه» چیست. معمولا معنای این اصطلاح را بدیهی و روشن فرض می کنیم. گاهی این زمینه را زمینه ای صرفا طبیعی یا منحصرافکری قلمداد می کنیم و گاه در تعریف آن «وجوه» گوناگونش را برمی شمیریم؛ مثلا وجه تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و لیکن کمتر زمینه را امری ذومراتب درک می کنیم؛ یعنی امری که مراتبی از زمین تا آسمان دارد. ذومراتب بودن زمینه سبب می شود که هر هنر بنا به سرشت و استعدادش، به کیفیتی با زمینه ارتباط برقرار کند؛ مثلا شعر و موسیقی تا حدود بسیاری می تواند فارغ البال نسبت به مراتب مادی زمینه پیدایشش نشو و نما کند و بیشتر متوجه مراتب معنایی آن باشد، در صورتی که معماری ناگزیر از توجه به مراتب مادی است. البته مطلقا منظور این نیست که معماری به مراتب معنایی زمینه خود بی اعتناست ولیکن از آنجا که باید در وهله نخست پاسخگو به مادی ترین مراتب سکونت باشد این وجوه مادی در آن به وضوح بیشتری نمایان است. همین موضوع تعلق داشتن هر هنر به مراتب متفاوت زمینه، ممکن است باعث شود که تجانس میان هنرها در وهله نخست قابل درک نباشد، لیکن این امر نباید سبب غفلت ما شود.

یکی از شیوه هایی که خصوصا مورخان و فلاسفه هنر در غرب، شباهت میان هنرهای مختلف را تذکر می دهند، طبقه بندی از نوع سبک شناسی است. سبک های مختلف هنری، همچون گوتیک یا رنسانس یا باروک، معمولا ضمن آنکه شاخص های مشترکی در میان آثار گوناگون در یک شاخه هنری مثل نقاشی یا معماری معرفی می کنند، به تجانس میان هنرهای گوناگون متعلق به یک سبک خاص نیز می پردازند. یعنی لاجرم میان نقاشی و معماری و حتی ادبیات سبک رنسانس شباهتی هست و لذا همه آنها قابل دسته بندی در یک طبقه است. نباید از نظر دور داشت که شناخت مبتنی بر سبک شناسی، بسیار برآمده از نوع مواجهه فرهنگ غرب با موضوع هنر است، هر چند این شیوه ما را در شناخت مسائل بسیاری، خصوصا وجوه صوری آثار هنری، یاری می کند ولیکن ممکن است بسیاری از جنبه های ماهوی تر هنرها را محجوب کند. لذا طبقه بندی باید منبعث از سرشت و ماهیت خاص هر محیط، مراتب محیط و آن شاخه هنری باشد. چنانکه گفتیم بنا به تعلق هر هنر به مرتبه ای خاص از زمینه، نمی توان به منظور اشراف یافتن بر تجانس میان

هنرها، آنها را به ترتیب واحدی طبقه‌بندی کرد. یعنی ای بسا سبک‌شناسی مثلا در حوزه ادبیات، از سرشت خاص ادبیات تبعیت کند و تعمیم دادن همین نوع طبقه‌بندی کمکی به شناخت معماری یا نگارگری نکند. به سخن دیگر ما در هر زمینه‌ای نخست باید ببینیم اساسا ماهیت آن رشته هنری چه نحو طبقه‌بندی را ایجاب می‌کند و با طبقه‌بندی چه از دست می‌دهیم و چه به دست می‌آوریم. طبیعتا هر قدر انس ما با آن هنر بیشتر باشد، بهتر خواهیم توانست معیارهای طبقه‌بندی را از دل آن موضوع استخراج کنیم و طبعاً به شناخت درست‌تری دست خواهیم یافت.

به این ترتیب نباید در مقایسه تطبیقی هنرها به دنبال ما به ازای عین به عین مثلا در فراز و فرود و یا نقاط عطف باشیم. بلکه باید تلاش کنیم تجانس آنها را جوهری‌تر ببینیم و اکتفای به ظاهر نکنیم. آن وقت است که این قیاس گشاینده درهای بسیاری در فهم هر شاخه هنری خواهد شد و ما زوایا و خفایای بسیاری در یک هنر را که تا پیش از این محجوب بود بهتر درک خواهیم کرد. مثلا باید پرسید این چه سری است که وقتی میرعماد با شیوه خود ابیات حافظ را می‌نویسد، پنداری به فهم ما از حافظ و اشعارش کمک کرده است، مگر چه نسبتی میان آن خط و این شعر وجود دارد که تا این حد با هم سازگار و هم‌افزایند.

معمولا کسانی که در یک شاخه متخصص شده‌اند کمتر در پی تعمق در حوزه‌های دیگر برآمده‌اند. یعنی ناخودآگاه معماری، از نگارگری و ادبیات و موسیقی تفکیک شده است. لذا اگر متخصصی پیدا شود که در پی تألیف این حوزه‌ها و درک وجوه اشتراک و افتراق آن برآید، بسیار قابل تحسین است. طبیعتا اگر متوجه این تقارن و تناسب میان حوزه‌های مختلف نباشیم، اساسا سؤالی برایمان پیش نخواهد آمد و راه تحقیق گشوده نخواهد شد. در ضمن نباید فراموش کرد که با توجه به سترون بودن پیشینه این گونه مطالعات نمی‌شود از معدودی آثار که شجاعانه قدم در راه‌های ناشناخته گذاشته‌اند توقع نتایج نهایی و قطعی داشت ولیکن بر ماست که شجاعت‌شان را بستاییم و دیگران را به همراهی دعوت کنیم. لذا جا دارد از سرکار خانم افسانه خاتون‌آبادی برای اثر ارزشمندشان تشکر کنم و توفیق بیشترشان را از خداوند بخواهم.

سید محمد بهشتی